فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره‌ی سیزدهم، شماره‌ی ٤، بهار ١٤٠٤، صفحات١٥٧-١٣٥

مقاله پژوهشی

دلالت‌های معنایی الگوهای زبان‌آموزی در خانواده

یارمحمد قاسمی[1]؛ سارا علی محمدی[2]

تاریخ دریافت: ١٤٠٣/٠٦/٢٩ تاریخ پذیرش: ١٤٠٣/١٠/٠٥

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مطالعهٔ دلالت‌های معنایی الگوهای زبان آموزی در بین خانواده‌های شهر ایلام انجام شده است. با توجه به ماهیت برساختی پدیدهٔ مورد مطالعه، پارادایم مورد استفاده در این پژوهش، تفسیری با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی است. جامعهٔ هدف، شامل خانواده‌های صاحب فرزند شهر ایلام در سال ١٤٠٣ بوده است و از نمونه‌یابی هدفمند از نوع گلوله برفی استفاده شده است. روش گردآوری اطلاعات، مصاحبهٔ عمیق است که با مصاحبه با ٢٥ نفر از والدین به اشباع رسید. برای تحلیل اطلاعات به دست آمده، از مدل کلارک و براون استفاده شده است. قابلیت تصدیق از طریق حضور مستمر محقق در میدان تحقیق و استخراج دقیق مصاحبه‌ها و بهره‌گیری از نظرارزیابان انجام شده است. پس از کدگذاری، ٤١ مفهوم مرتبط (کد اولیه) استخراج گردید که در٢٠ تم فرعی و١١ تم اصلی دسته‌بندی و تفسیر شدند. نتایج پژوهش حاضرنشان داد، اقبال به سوی زبان مادری هنوز ملکهٔ ذهن خانواده‌ها است، بنابراین، می‌تواند حاکی از اهمیت زبان محلی به مثابه یک شناسهٔ قومی باشد. از سوی دیگر، این نتیجه حاصل شد زبان معیار به جای خود حائز اهمیت است و نشانگر اهمیت آن به مثابه یک شناسهٔ ملی است.

واژه‌های کلیدی: الگوهای زبانی؛ زبان مادری؛ زبان معیار؛ زبان‌آموزی؛ ایلام.

[1] . استاد گروه جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران (نویسندهٔ مسؤول).

y.ghasemi@ilam.ac.ir

[2]. کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. Saraalimohamadi21@Gmail.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.135]

مقدمه و طرح مسأله

در دنیای جدید با وجود غلبهٔ جهانی شدن بر جوانب گوناگون آن، فرهنگ و به تبع آن زبان معیار، همواره ازحیث چرایی و چگونگی همزیستی یا عدم همزیستی آن نسبت به زبان‌های محلی، دغدغهٔ مهندسی فرهنگی و زبانی در کشورهای مختلف است. از آنجایی که فراگیری زبان درکودکی که در شرایط محیطی خاصی قرار داشته باشند، به وقوع می‌پیوندد و چیزی نیست که کودک آن را انجام دهد، توانایی زبان، یکی از مؤلفه‌های ذهن و مغز است که به زبان و کاربرد آن اختصاص یافته است (چامسکی، ۱۳۷۹ : ۵۲). زبان مادری و گونه‌های زبان و به طور کلی شیوهٔ اندیشه و بیان در هرگروه اجتماعی، جزئی از ثروت فرهنگی و ملی آن منطقه یا کشور است، اگر در گذشته دوزبانگی یا دانستن زبان مادری به صورت مسأله مطرح می‌شد، در جامعهٔ امروزی با توجه به تنوع نقش‌های اجتماعی، تکلم به چندزبانی یا گونهٔ زبانی نه تنها مطلوب است، بلکه به شخص چندزبانه، امکان دسترسی به دستاوردهای فرهنگی گوناگون شیوه‌های مختلف تفکر و بیان می‌دهد (میری، ۱۳۹۷: ۷۵). زبان فارسی به عنوان زبان مشترک خرده فرهنگ‌های موجود در ایران، مخزنی از مفهوم‌سازی‌های مشترک همهٔ اقوام است که تمام آن‌ها در خلق آن به شکل و صورتی که اکنون به ما رسیده است، نقش داشته‌اند، از این‌رو امکان تعامل وارتباط میان اقوام مختلف ایرانی از طریق زبان فارسی میسرمی‌شود.

ایران، کشوری چند قومی است و به تبع آن در یک چارچوب و جغرافیای چند زبانی با لهجه‌ها وگویش‌های متنوع قرن‌ها است که استقرار یافته است و اقوام آن کمابیش ضمن مهم دانستن زبان وگویش خود با زبان ملی سازگاری خود را متجلی ساخته‌اند. با این حال پس از شکل‌گیری دولت–ملت که یک قرن توسط رضاشاه محقق گردید، زبان فارسی در دستور کار مهندسی زبانی قرار گرفت، از آن پس به تدریج زبان فارسی در مرکز قرار گرفت، هژمونیک شد و زبان‌های مادری در پیرامون زبان معیار کمابیش به حیات خود ادامه دادند. اما یک سری مقاومت‌های فرهنگی در مواجهه با این هژمونی زبانی شکل گرفت که استدلال اقلیت‌های زبانی این بود که زبان مادری در حال استحاله شدن است و این امر آیندهٔ زبان مادری را با چالش مواجه خواهد ساخت. یکی از این زبان‌ها، زبان کردی است که زبان مادری قوم کرد غرب ایران را در قالب گویش‌ها ولهجه‌های مختلف شکل داده است و استان ایلام یکی از این مناطق کردنشین است که زبان مادری آن به‌طور عمده، کردی است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.135]

با توجه به تجربهٔ زیستهٔ مداوم نگارندگان در مناطق مختلف استان، زبان فارسی روز به روز در بین خانواده‌های ایلامی در فرایند زبان‌آموزی مورد استقبال است و به تبع آن زبان مادری با وجود مقاومت برخی خانواده‌ها در حال به حاشیه رفتن است، از سوی دیگر با توجه به نبود مطالعه‌ای علمی که بتواند این مسأله را واکاوی نماید، مطالعه حاضردر نظر دارد تا به انگیزه‌ها، استدلال‌ها، دلالت‌های معنایی و استفادهٔ خانواده‌ها از هر کدام از این دوالگوی زبان‌آموزی (زبان مادری – زبان معیار) بپردازد، بنابراین، نگارندگان در پی یافتن پاسخ این پرسش هستند که دلالت-های معنایی به کارگیری الگوهای زبانی فرزندان در بین خانواده‌های صاحب فرزند شهر ایلام کدام‌اند، می‌باشند.

پیشینهٔ پژوهش

گلمحمدی(۱٤۰٤) در پژوهشی با عنوان «زبان مادری به مثابه الگوی بومی زبان تدریس، تحلیل اثرات آموزش هنر به زبان ترکی آذربایجانی بر دانش‌آموزان دوزبانی»، به بررسی تأثیر زبان مادری برفرآیند یادگیری، به‌ویژه در جوامع چندزبانی، با تمرکز بر دانش‌آموزان دوزبانی در مدرسهٔ شهید نواب صفوی روستای بوزندان پرداخته است. یافته‌ها نشان داد آموزش به زبان مادری نه تنها به بهبود عملکرد تحصیلی و تسهیل درک مفاهیم علمی منجر می‌شود، بلکه نقش کلیدی در تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. زبان مادری، به عنوان یک ابزار شناختی و فرهنگی، درکی عمیق‌تر از مفاهیم آموزشی را فراهم کرده است و اضطراب زبانی را کاهش می‌دهد. در مقابل، آموزش به زبانی غیراز زبان مادری، چالش‌هایی مانند کاهش درک مفاهیم و افت تحصیلی را به همراه دارد. این پژوهش برضرورت پیاده‌سازی سیاست‌های آموزشی مبتنی بر زبان مادری در جوامع چندزبانی تأکید دارد تا از طریق کاهش شکاف‌های زبانی و اجتماعی، به عدالت آموزشی و توسعهٔ پایدار دست یابد.

محمدی و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی را با عنوان «تأثیر حق آموزش به زبان مادری به عنوان حق بنیادی بر نشاط و سازگاری اجتماعی دانش آموزان دوزبانه»، انجام داده‌اند، روش انجام پژوهش، به صورت شبه آزمایش و با استفاده از دو گروه کنترل و گواه می باشد. جامعهٔ آماری این تحقیق شامل دانش آموزان دورهٔ ابتدایی شهر پاوه هستند. با توجه به ماهیت و هدف تحقیق، ٤٤ نفراز آن‌ها انتخاب شدند، ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامهٔ استاندارد بود که از طریق نرم افزار SPSS انجام گرفته است. نتایج حاصل از داده‌ها نشان می‌دهد که حق آموزش به زبان مادری، موجب بالا رفتن نشاط اجتماعی بین دانش‌آموزان دوزبانه می‌شود. سهولت یادگیری به زبان مادری، خود از عوامل

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.135]

مهم بالا رفتن اشتیاق برای تحصیل می‌باشد. آموزش به زبان مادری سبب افزایش سازگاری اجتماعی دانش آموزان در مدارس می‌باشد.

نوروزی(۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بافت و معنا در بازیابی اطلاعات (با تأکید بر زبان مادری)»، که یک پژوهش نظری است و با روش کتابخانه‌ای و مروری در قم انجام داده است، به نقش و اهمیت زبان با تأکید بر زبان مادری می‌پردازد و نشان می‌دهد که تجربیات ما از طریق مفاهیم، ابتدا در ذهن شکل می‌گیرند و سپس مفاهیم شکل گرفته در ذهن، تبدیل به اصطلاحات زبانی می‌شوند و به واسطهٔ زبان بیان می‌شوند. با این وجود این، پژوهش می‌تواند به بهبود و طراحی نظام‌های اطلاعات در قالب بافت اطلاعات کمک کند.

فرنگی[1] و نعامی[2](۲۰۲٤) در پژوهشی تحت عنوان «مطالعه‌ای بر چندزبانگی اولیه در ایران: تأثیرات سواد زبان مادری، وضعیت اجتماعی–اقتصادی و قرار گرفتن در معرض برنامه‌های تلویزیونی»، به بررسی تعاملات بین عوامل زبانی، اجتماعی و سیاسی در محیطی غنی از نظر زبانی پرداخت. برای این منظور، ۲۰۰ کودک پیش‌دبستانی ایرانی (۵ تا ٦ ساله) از چهار گروه قومی/زبانی(عرب، کرد، ترک، فارس) با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌بندی‌شدهٔ چند مرحله‌ای انتخاب شدند. همهٔ شرکت‌کنندگان در یک دورهٔ مقدماتی زبان انگلیسی شرکت کردند و قرار گرفتن آن‌ها در معرض برنامه‌های تلویزیونی و در معرض رسانه‌ها ثبت شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل رگرسیون استفاده شد. این نتایج، استدلال‌های مطرح شده توسط طرفداران زبان اقلیت در مورد اهمیت استفاده از زبان مادری کودکان در برنامهٔ درسی آموزشی را تأیید می‌کند.

وگلزانگ[3] و همکاران (۲۰۲٤) در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر آموزش زبان مادری و چندزبانگی را بر مهارت‌های خواندن و درک مطلب»، ۱۲۷۲ کودک دبستانی هندی از خانواده‌های با وضعیت اقتصادی–اجتماعی پایین را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد گویشوران زبان اقلیت از خانواده‌های تک‌زبانه که آموزش زبان مادری دریافت نمی‌کنند، در مقایسه با گویشوران زبان اکثریت هنگام خواندن به زبان اکثریت، عملکرد ضعیف‌تری دارند. هنگام خواندن به زبان انگلیسی، بزرگ شدن در یک خانوادهٔ چندزبانه، عملکرد کودکان را بهبود می‌بخشد. در مناطقی که نسبت بیشتری از کودکان آموزش دیده به زبان مادری دارند، کودکان در سوادآموزی به زبان منطقه‌ای

[1] . Mohamad reza farangi
[2]. Amir naami
[3]. Margreet vogelzang

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.135]

بهترو در زبان انگلیسی بدتر عمل می‌کنند. نتایج نشان داد برای گویشوران زبان اقلیت، توسعهٔ سواد به زبان اکثریت و برای همهٔ کودکان، توسعهٔ سواد به زبان انگلیسی، حمایت بیشتری لازم است.

منگیلا[۱] (۲۰۱۹) پژوهشی را با عنوان «میزان استفاده از زبان مادری» در فیلیپین با روش فراتحلیل انجام داده است. نتایج وی نشان می‌دهد منابع رسمی به زبان مادری، آموزش ندیدن معلمان در استفاده از زبان مادری و عدم مطابقت و همسانی معنایی برخی لغات در زبان مادری و زبان رسمی، مهم‌ترین مشکلات در آموزش به زبان مادری است. باید والدین را به زبان مادری ترغیب کرد که درک کنند یادگیری در زبان دوم یا زبان رسمی، نیازمند زبان و سعی و تلاش است. مطالعات نشان می‌دهد وقتی نگرش معلمان دربارهٔ اهمیت زبان مادری و نقش آن در یادگیری زبان‌های دیگر و یا محتوای آموزش مثبت نباشد، دانش‌آموزان نیز اعتباری برای زبان مادری خود قائل نخواهند بود.

با توجه به مهم بودن و حیاتی بودن یادگیری الگوهای زبان آموزی، تحقیق و مطالعات در هر زمینه‌ای، قطعا کامل و بدون نقص نخواهد بود. بنابراین، برمطالعات پیشین انتقاداتی وارد است: در یادگیری الگوهای زبان‌آموزی تا به حال محقق به پژوهشی در خور که به روش کیفی انجام شده باشد مواجه نشده است، بنابراین، در اکثر تحقیقات انجام گرفته این موضوع به صورت کمی مورد بررسی قرار گرفته است، همچنین تا کنون تحقیقی که به دلالت‌های معنایی ترجیح زبان معیار بر زبان مادری یا بالعکس بپردازد، صورت نگرفته است و در واقع پژوهش حاضر، در راستای رفع این دو خلاء پژوهشی صورت گرفته است.

حساسیت نظری

برنشتاین[۲] ارتباط میان طبقهٔ اجتماعی با زبان و مدرسه را روشن می‌کند. او معتقد است قواعد زبان‌شناختی کودکان در خلال جامعه‌پذیری اولیه بین کودکان طبقهٔ متوسط و طبقهٔ کارگر متفاوت است، کودکانی که زمین‌های اجتماعی گوناگونی دارند، علائم یا شکل‌های گفتاری متفاوتی در طی سال‌های نخستین زندگی‌شان به وجود می‌آورند که برتجربهٔ تحصیلی بعدی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، برنشتاین این شکل‌های گفتار را کد زبانی می‌نامد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۰).

۱. B. MANGILA

2. Bernstein

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.135]

چامسکی[1] معتقد است ذهن، دارای زیر مجموعه‌هایی است که یکی از آن‌ها قوۀ زبان انسان است، زبان مادری در واقع شکل دهندۀ هویت انسان و انتقال دهندۀ فرهنگ به آینده است. چامسکی آن بخش از زبان که ذاتی آدمی می‌باشد را دستور جهانی نامید. به عقیدۀ او زبان یک قوۀ ذاتی است یعنی انسان‌ها از بدو تولد دارای مجموعه‌ای از قواعد دربارۀ زبان هستند که به آن دستور جهانی می‌گویند. چامسکی دستور جهانی را به عنوان سیستمی از اصول، شرایط و قواعد می‌داند که مؤلفه‌ها یا خصوصیات تمام زبان‌های آدمی هستند و نه صرفا حاصل اتفاق و تصادف بلکه به لحاظ زیست-شناختی کاملا ضروری هستند و می‌توان آن را به عنوان بیان ماهیت و اساس زبان آدمی در نظر گرفت (نوروزعلی، ۱٤۰۱ : ۹٦).

نماد معنادار یکی از مفاهیم کنش متقابل نمادین جرج هربرت مید[2] است که نوعی ژست است که فقط انسان به کار می برد، فقط وقتی می‌توانیم ارتباط برقرار کنیم که دارای نمادهای معنادار باشیم. در گفتگوی ژست‌ها، فقط خود ژست‌ها ارتباط برقرار می‌کنند، اما آنجا که زبان است، ژست‌ها و معنای‌شان ارتباط برقرار می‌کنند. یکی از کارهایی که زبان یا به طورکلی نمادهای معنادار انجام می‌دهند، فراخواندن همان پاسخ از گوینده که از دیگران فراخوانده می‌شود. کلمۀ گربه همان تصویر ذهن را در گوینده ایجاد می‌کند که در شنونده ایجاد می‌کند. به این ترتیب نمادهای معنادار را امکان می‌دهد انسان برانگیزندۀ کنش خویش گردد (ریتزر، ۱٤۰۰ : ٤۸۵).

مفهوم کنش‌ها و کارکردهای زبانی به آراء جان آستین[3] بر می‌گردد. آستین پیشنهاد کرد که به جای تأکید بر نقش توصیفی زبان، بهتر است زبان را به عنوان وسیله انجام کار تعریف کنیم. آستین کارهایی را که با زبان انجام می‌دهیم، کنش‌های گفتاری نامید. کارهایی چون معذرت خواستن، تشکرکردن، موافقت کردن. یکی از انگاره‌هایی که در تقسیم‌بندی‌هایش از توانش زبانی فرد، جایگاهی را به (توانش منظورشناسی) اختصاص داده است، انگاره کلمن است. اساس این انگاره (توانش منظورشناختی) به رابطۀ نشانه‌ها و مصداق‌های‌شان از یک‌سو و کاربران زبان و بافت ارتباط، از سوی دیگر می پردازد. این توانش شامل آگاهی از قراردادهای منظور شناختی است تا کارکردهای زبان را به صورت پذیرفتن به انجام برسانیم. مهم‌ترین کشف آستین، کشف اظهارات انشانی است و به همان نسبت، کشف افعال و جملات انشانی. این امر، او را به ایجاد تمایز سوق داد. تمایز میان

[1] . Noam CHOMSKY
[2] . George Herbert mead
[3] . John Austin

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.135]

اظهارات انشانی و اخباری، تمایز میان اظهاراتی که گزاره‌ها یا توصیفات هستند. در واقع تمایز میان اظهاراتی که می‌گویند و اظهاراتی که عمل می‌کنند.

جان سرل[1]، از جله فیلسوفانی است که رابطهٔ میان زبان و جامعه را از منظر فلسفی به دقت واکاوی کرده است. سرل، معتقد است نخست باید چیستی و ماهیت خود زبان تعیین شود، چرا که اساسا بنیاد جامعهٔ انسانی بر زبان استوار است. زیرا زبان خود، نهادی اجتماعی است و البته بنیادی-ترین آن‌هاست. زبان دارای ویژگی‌ها و کارکردهای خاصی است که اساسی بودن آن برای واقعیت-های نهادی، برخاسته از همین ویژگی‌ها و کارکردهاست. سرل، برای زبان ٤ کارکرد عمده و اصلی بر می‌شمارد ۱) انتقال و ارتباط، ۲) بازنمایی، ۳) ابزار و ٤) معناداری مقصود گوینده (سرل، ۲۰۱۰: ۷۱ – ۷۵).

آنتونی گیدنز[2] در این مورد، به تبیین اصلی می‌پردازد که می‌توان آن را توازی یا همزیستی هویت‌های جمعی خرد و کلان نامید. به نظر گیدنز، یکپارچگی جهانی منشوری سه وجهی است که به ویژه در بازار جهانی، قدرت‌های معینی را از ملت‌ها، جدا می‌کند و در مقابل، این یکپارچگی معنایی ضمنی و نیرویی مخالف هم دارد و با فشار امکانات، تحرک‌های جدیدی برای منطق خودمختار و هویت‌های فرهنگی محلی، به وجود می‌آورد. به عبارت دیگر فشار به پایین، دلیل احیای هویت‌های محلی، شکل‌های محلی و هویت فرهنگی خرد است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳٦). برمبنای این نگاه گیدنز، زبان به مثابه عنصر کانونی فرهنگ، می‌تواند از سوی هویت‌های جمعی خرد (زبان مادری) در عصر جهانی شدن مورد تأکید قرار گیرد.

روش پژوهش

در تحقیق پدیدار شناسی[3]، تلاش محقق این است که پدیده‌ها را از طریق عمق تجربه‌های افراد از درون احوال و منویات و مرادات خود آن‌ها فهم کند (فراستخواه، ۱٤۰۱ : ۷۰). پدیدارشناسی معنای تجارب زیستهٔ افراد متعدد از یک مفهوم یا پدیده را توصیف می‌کند،بنابراین، محقق برای انجام پژوهش از نوع توصیفی استفاده می‌کند. امروزه از مهم‌ترین دلایل توجه به روش‌های کیفی، درک و مداخلهٔ بیشتر در عرصهٔ تحقیق و مطالعه، به خصوص، در حوزهٔ مطالعات انسانی است. جامعهٔ هدف در این پژوهش، شامل خانواده‌های صاحب فرزند شهر ایلام در سال ۱٤۰۳ می‌باشد. نحوهٔ انتخاب نمونه‌ها، نمونه‌گیری هدفمند است که از روش نمونه‌گیری غیر احتمالی از نوع گلوله

[1] . Joun Searle
[2] . Antony Giddenz
[3] . Phenomenology

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]
[DOI: 10.66224/scds.13.3.135]

برفی به حساب می‌آید، به این معنا که پرسشگر افرادی را انتخاب می‌کند که می‌توانند در فهم مسألهٔ پژوهش و پدیدهٔ محوری و مطالعه مؤثر باشند. برای تعیین تعداد مصاحبه‌ها، معیار در نظرگرفته برای کار کیفی، رسیدن به اشباع نظری در زمینهٔ پژوهش مورد نظر است، بنابراین اشباع به این معنی است که با ادامهٔ مصاحبه‌ها، اطلاعات جدیدی به دست نیاید و پژوهشگر با تکرار پاسخ‌ها از سوی مصاحبه شونده مواجه شود، که دیگر لزومی برای ادامهٔ مصاحبه وجود ندارد.

ابزار گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر، مصاحبهٔ عمیق است که پژوهشگر با انسان‌ها و اطلاع‌رسان‌ها و مشارکت‌کننده‌ها سروکار دارد. در واقع واحد تحلیل انسان است که پژوهشگر با اطلاعات دست اول خود به میدان تحقیق به صورت مستقیم ورود کرده است و اعتماد آن‌ها را جلب کرده است. مصاحبه به صورت روان می‌باشد و پژوهشگر بیشتر شنونده است. در آخر مصاحبه، سؤالات حساس و خصوصی‌تر را می‌پرسد تا به راحتی به پاسخ سؤالات برسد که بعد از اتمام ضبط مصاحبه‌ها، محقق، مصاحبه‌ها را به رشتهٔ تحلیل در آورده است و برای تحلیل آن‌ها از چارچوب براون و کلارک استفاده کرده است. به این ترتیب که مطابق روش براون و کلارک از دل مصاحبه‌ها، داده‌ها شناسایی شدند. سپس کدها (ویژگی داده‌ها) ایجاد شد. با بررسی کدها، تم‌های اولیه شناسایی گردید و درگام بعدی، تم‌های مورد نظر در برابر مجموعهٔ داده‌ها بررسی شدند تا مشخص شود که تم‌ها نمایان‌گر و بیان‌کنندهٔ داده‌ها و کدهای مورد ادعای پژوهشگران بوده‌اند یا خیر؟ پس از حذف و تصحیح تم‌های بی ارتباط، تم‌ها تأیید، نام‌گذاری و تفسیر شدند. قابلیت تصدیق از طریق حضور مستمر محقق در میدان تحقیق انجام شد و استخراج دقیق مصاحبه‌ها با بهره‌گیری از نظر ارزیابان انجام شد و قابلیت انتقال از طریق نگارش یادداشت‌های فنی، مقایسهٔ یافته‌ها با ادبیات تحقیق و آراء صاحب نظران انجام پذیرفت. پژوهش حاضر با استفاده از نظر داوران صاحب نظر در این خصوص که تعداد آن‌ها مشتمل بر٤داور است انجام گرفت.

جدول شمارهٔ یک-مشخصات و کد اطلاع‌رسان‌ها

شمارهٔ پاسخگو	جنس	سن	تحصیلات	محل سکونت	شغل
۱	زن	۵۰	سیکل	ایلام	خانه دار
۲	زن	٤۳	فوق لیسانس	ایلام	آزاد
۳	زن	۳۵	لیسانس	ایلام	خانه دار
٤	مرد	۳۸	فوق دیپلم	ایلام	آزاد
۵	مرد	۵۵	فوق لیسانس	ایلام	بازنشسته
٦	زن	۵۱	لیسانس	ایلام	بازنشسته
۷	زن	٤٤	دیپلم	ایلام	آزاد

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.135]

۸	زن	٤٢	فوق لیسانس	ایلام	خانه دار
۹	زن	٤٣	فوق لیسانس	ایلام	کارمند
۱۰	زن	٣٦	دیپلم	ایلام	خانه دار
۱۱	مرد	٦٢	لیسانس	ایلام	بازنشسته
۱۲	مرد	٤٤	سیکل	ایلام	آزاد
۱۳	مرد	٦٥	پنجم ابتدایی	ایلام	آزاد
١٤	زن	٦٣	پنجم ابتدایی	ایلام	خانه دار
۱۵	زن	٤٦	لیسانس	ایلام	معلم
١٦	مرد	٣٣	دیپلم	ایلام	آزاد
۱۷	زن	٣٦	فوق لیسانس	ایلام	آزاد
۱۸	مرد	٤٢	فوق لیسانس	ایلام	معلم
۱۹	زن	٥٤	سیکل	ایلام	خانه دار
۲۰	مرد	۳۱	لیسانس	ایلام	کارمند
۲۱	زن	۳۱	فوق لیسانس	ایلام	معلم
۲۲	زن	۳۳	لیسانس	ایلام	خانه دار
۲۳	زن	۵۰	لیسانس	ایلام	بازنشسته
٢٤	زن	۳۷	لیسانس	ایلام	خانه دار
۲۵	زن	۵۰	فوق دیپلم	ایلام	خانه دار

از مجموع ۲۵ مصاحبه شونده، ۱۷ نفر زن و ۸ نفر مرد هستند. ۹ نفر از آن‌ها کمتر از سن ٤۰ سال و ١٦ نفر از آن‌ها بیشتر از ٤۰ سال هستند. در مؤلفهٔ تحصیلات، ۲ نفر پنجم ابتدایی، ۳ نفر سیکل، ۳ نفر دیپلم، ۲ نفر فوق دیپلم، ۸ نفر لیسانس و ۷ نفر فوق لیسانس هستند. محل سکونت ۲۵ نفر همگی در ایلام است. شغل ۲ نفر از این افراد کارمند، ۳ نفر معلم، ۹ نفر خانه‌دار ، ۷ نفر آزاد و ٤ نفر بازنشسته است.

یافته‌های تحقیق

مفاهیم و تم‌های اولیه و اصلی در جدول شمارهٔ ۲، آمده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.135]

جدول شمارهٔ دو- مفاهیم، تم‌های اولیه و تم‌های اصلی

ردیف	عبارت معنایی	کد اولیه / مفهوم	تم فرعی	تم اصلی
۱	زبان مادری اصالت و ریشه فرد است و باید اصالت ما حفظ شود (۵)	زبان مادری به مثابه حفظ اصالت و ریشه فرد	حفظ اصالت و ریشه	حفظ اصالت زبانی
۲	زبان مادری، زبان اصیل ما است (۲)	زبان مادری به مثابه زبان اصیل		
۳	ریشه فرهنگی ما به زبان مادری باید حفظ شود زیرا بعضی از مفاهیم فرهنگی در یک زبان و فرهنگ خاص و در تعاملات و ارتباطات اجتماعی ریشه دارند.	زبان مادری به مثابه حفظ ریشه فرهنگی		
٤	زبان مادری حافظ سنت و آداب ورسوم ماست (۳)	زبان مادری به مثابه حفظ سنت و آداب و رسوم	حفظ اصالت فرهنگی	حفظ شناسه فرهنگی
۵	زبان مادری حافظ فرهنگ ما است (۱۰)	زبان مادری به مثابه حفظ فرهنگ		
٦	زبان مادری باعث می‌شود که فرهنگ کردی ما فراموش نشود (۵)	زبان مادری به مثابه ماندگاری فرهنگ		
۷	زبان مادری باعث می‌شود فرهنگ کردی نسل اندر نسل انتقال پیدا کند (۵)	زبان مادری به مثابه انتقال فرهنگ کردی به نسل‌های آینده	حفظ اصالت کرد	
۸	با آموزش به زبان مادری باعث حفظ واژه‌های کردی می‌شویم.	زبان مادری به مثابه حفظ واژه‌های کردی		
۹	زبان مادری به زبان کردی باعث می‌شود کرد بودنمان حفظ شود.	زبان مادری به مثابه حفظ کرد بودن		
۱۰	زبان مادری حافظ هویت ما است (۵)	زبان مادری به مثابه حفظ هویت	حفظ هویت	حفظ شناسه فرهنگی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.135]

۱۱	بخاطر پرستیژ اجتماعی با فرزندانمان فارسی صحبت می‌کنیم (۵)	زبان فارسی به مثابه پرستیژ اجتماعی	پرستیژ اجتماعی	مدگرایی
۱۲	به خاطر تقلید از دیگران با فرزندانمان فارسی صحبت می‌کنیم (۵)	تقلید از دیگران	تقلید	زبان فارسی میراث مشترک
۱۳	با فرزندانمان فارسی صحبت می‌کنیم تا هنگام صحبت کردن در اجتماع و در بین همسالان خود به راحتی با زبان فارسی صحبت کنند (۱۳)	آسان تر شدن مکالمه فارسی	تسهیل مکالمه	
۱۴	یادگیری زبان فارسی باعث می‌شود که بچه در هنگام صحبت کردن به زبان فارسی لهجه زبان مادری نداشته باشد (۳)	زبان فارسی به مثابه نداشتن لهجه	سهولت صحبت کردن به زبان ملی	
۱۵	یادگیری زبان فارسی با عث می‌شود که بچه‌ها در گفتار و نوشتار مشکلی نداشته باشند (۳)	زبان فارسی به مثابه آسان تر شدن گفتار و نوشتار		
۱۶	برای صحبت کردن به زبان فارسی هیچگونه چالشی نداریم (٤)	چالش نداشتن هنگام صحبت به زبان فارسی		
۱۷	اگر با زبان فارسی با بچه‌ها صحبت کنیم عواقب بدی ندارد (٤)	نداشتن عواقب بد در صحبت کردن به زبان فارسی	نداشتن عواقب بعدی	
۱۸	زبان مادری را به آسانی به فرزندمان آموخته ایم (۲)	به آسانی آموزش دادن زبان مادری	آسان بودن زبان مادری	سهولت زبان مادری
۱۹	برای صحبت کردن به زبان مادری هیچگونه چالشی نداریم (۱۸)	چالش نداشتن هنگام صحبت کردن به زبان مادری	سهولت صحبت به زبان مادری	

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.135]

۲۰	آموزش زبان فارسی به بچه باعث آمادگی برای حضور او در اجتماع می‌شود (۸)	زبان فاری به مثابه آمادگی حضور در اجتماع	آمادگی فردای بهتر	آینده نگری
۲۱	زبان فارسی، زبان رسمی کشور است (٤)	زبان فارسی به مثابه زبان رسمی کشور		
۲۲	یادگیری زبان فارسی باعث می‌شود بچه از حق خود در مقابل دیگران دفاع کند (۲)	دفاع کردن از حق خود در مقابل دیگران		
۲۳	یادگیری زبان فارسی باعث ابراز وجود بچه در جامعه می شود (۲)	ابراز وجود کردن		
۲٤	یادگیری زبان فارسی به بچه باعث می‌شود هنگام صحبت کردن به زبان فارسی با دیگران قوی باشد (۲)	قوی ظاهر شدن در جامعه		
۲۵	یادگیری زبان فارسی به بچه باعث می‌شود اعتماد به نفس پیدا کند (۳)	زبان فارسی به مثابه داشتن اعتماد به نفس	اتکای به نفس	خود اتکایی زبانی
۲٦	اگر با بچه به زبان فارسی صحبت کنیم دچار خودباختگی نمی شویم (۵)	تکلم به زبان فارسی به مثابه نجات از خودباختگی		
۲۷	با فرزندانمان فارسی صحبت می‌کنیم تا مورد تمسخر دیگران قرار نگیرند زیرا اززبان مادری و فرهنگ خود خجالت می‌کشیم (٦)	مورد تمسخر دیگران قرار نگرفتن	رفع حقارت	رفع حقارت
۲۸	از زبان مادری و فرهنگ خود خجالت می‌کشیم بخاطر همین با فرزندانمان فارسی صحبت می‌کنیم.	خجالت کشیدن از زبان مادری		
۲۹	دچار احساس خود کم بینی می‌شویم وقتی با زبان کردی	احساس خودکم بینی		

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.135]

	با فرزندانمان صحبت می‌کنیم (٦)			
۳۰	تمایل نداشتیم با هر دو زبان با فرزندمان صحبت کنیم زیرا لکنت زبان پیدا می‌کند و نمی تواند کلمات را به خوبی ادا کند، ترجیح دادیم فقط با یک زبان با او صحبت کنیم.	وجود لکنت زبان در صورت آموزش توام زبان ها	لکنت زایی زبانی	لکنت زایی زبانی
۳۱	اگر با زبان فارسی با بچه صحبت کنیم بچه دچار سردرگمی می‌شود (۷)	تکلم به زبان فارسی به مثابه سردرگم شدن فرزندان	ابهام آفرینی	ابهام آفرینی در آینده
۳۲	اگر با زبان فارســـی با بچه صحبت کنیم در زبان گفتار و در جمله بندی واژه‌ها و معانی کلمات مشـــکل پیدا می‌کند (۷)	ایجاد مشکل در تکلم		
۳۳	در ادا کردن کلمات کردی دچار مشکل می‌شویم.	ایجاد مشکل در ادا کردن کلمات کردی		
۳٤	بعضی از کلمات کردی اصلا معادل واژه فارسی برای آنها پیدا نمی شود که با توجه به زمان و نیاز آدم‌ها و مکان جغرافیایی مفاهیم شکل گرفته اند و معادل معنایی ندارند.	پیدا نکردن معادل فارسی برای بعضی از معانی کلمات کردی		
۳۵	اگر با فرزندانمان فقط فارسی صحبت کنیم عواقب بدی دارد (۵)	عواقب بد صحبت کردن به زبان فارسی		
۳٦	اگر با زبان فارسی با بچه صحبت شود زبان مادری ضعیف و کمرنگ می‌شود و به فراموشی سپرده می‌شود. (۱۳)	تکلم به زبان فارسی به مثابه خودباختگی	خودباختگی	

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.135]

۳۷	اگر با زبان فارسی با بچه صحبت شود او دیگر تمایلی به زبان مادری ندارد و زبان مادری نادیده گرفته می‌شود و به حاشیه می‌رود (۱۳)	به حاشیه رفتن زبان مادری	نابودی زبان مادری	گم‌گشتگی زبانی
۳۸	اگر بازبان فارســـی با بچه صـــحبت کنیم بازبان مادری بیگانه می‌شویم (٤)	بیگانه شدن با زبان مادری		
۳۹	اگر با زبان فارسی بااوصحبت کنیم باعث نابودی زبان مادری وبی اهمیت شدن به زبان مادری می شویم (٤)	نابود شدن زبان مادری		
٤۰	نظر من در مورد یادگیری زبان آموزی به فرزندم مورد تایید همسرم نیست.	عدم توافق والدین در آموزش دادن زبان به فرزندشان	عدم توافق والدین	
٤۱	صحبت کردن به زبان فارسی باعث ضعیف جلوه پیدا کردن فرهنگ کردی میشود (۲)	ضعیف شدن فرهنگ کردی	نادیده گرفتن فرهنگ کردی	
٤۲	صحبت کردن به زبان فارسی با بچه باعث می‌شود که آداب و رسوم و اصالت کرد به تدریج به حاشیه برود.	به حاشیه رفتن آداب و رسوم و اصالت کرد		
٤۳	با توجه به منطقه جغرافیایی از ارزش‌های اصیل کردو زبان مادری دور می شویم (۵)	دور شدن از ارزش‌های اصیل کردی		
٤٤	اگر با زبان فارسی با بچه صحبت شود او دیگر تمایلی به زبان مادری ندارد و زبان	نادیده گرفتن زبان مادری		

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.135]

	مادری نادیده گرفته می‌شود و به حاشیه می‌رود (۱۳)			
٤٥	برای صحبت کردن به زبان فارسی با فرزندانمان باچالش‌هایی روبرو هستیم (٥)	چالش در هنگام صحبت کردن به زبان فارسی	ایجاد مشکل در تکلم به زبان فارسی	بیگانگی زبانی
٤٦	صحبت کردن به زبان فارسی با بچه باعث می‌شود که او اعتماد به نفس خود را از دست بدهد.	تکلم به زبان فارسی به مثابه از دست دادن اعتماد به نفس فرزندان		

حفظ اصالت زبانی

تم حفظ اصالت زبانی حاصل تم‌های فرعی حفظ اصالت فرهنگی، حفظ اصالت کرد و حفظ اصالت و ریشه است که اطلاع‌رسان‌ها، دغدغه اصالت فرهنگ، قومیت کرد واصل و نسب آن را دارند به باور آن‌ها با تکلم به زبان مادری می توان اصالت فرهنگی را که زبان در مرکز آن قرار دارد، حفظ کرد. زبان مادری و زبان معیاردر هرجامعه، نماد اصالت فرهنگ است اما دغدغۀ مشارکت‌کنندگان در مطالعۀ حاضر، زبان در معنای دلالت دوزبانگی نیست بلکه دلواپسی آن‌ها استحاله اصالت قومیت کرد که زبان کردی مهم‌ترین شناسه آن است نیز هست. به باور آن‌ها با تحقق حفظ اصالت فرهنگی واصالت کرد، اصل و ریشه فرهنگی حفاظت خواهد شد.

مشارکت‌کنندگان شمارۀ ۱ و ۷ چنین می‌گویند: «*زبان مادری(کردی) اصالت و ریشه و اصل و نسب ماست باید برای آن ارزش قائل شد و نسل اندرنسل انتقال یابد*».

حفظ شناسه فرهنگی

به باور بعضی از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه با تکلم به زبان مادری می‌توان این شناسه و هویت را حفظ کرد. نکته‌ای که ضروری است، اشاره به همکناری زبان مادری و زبان معیار است. بسیاری از خانواده‌ها این همکناری و همائی زبانی را امری ضروری و اجتناب‌ناپذیردانسته‌اند. این واقعیت بارها در مباحث آنتونی گیدنز تحت عنوان توازی هویت‌های ملی و محلی مطرح شده است. به باورگیدنز این دو نوع هویت با وقوع جهانی شدن به موازات هم پیش می‌روند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.135]

پاسخگویان شمارهٔ ۸ و ۹ تأکید دارند: «*زبان مادری ما باید به عنوان یک ارزش در کنار زبان فارسی حفظ شود باید برای زبان مادری ارزش قائل باشیم زبان مادری باید به‌عنوان هویت ما حفظ شود نسل اندرنسل انتقال پیدا کند*».

مدگرایی

اطلاع‌رسان‌ها معتقدند که با تکلم به زبان فارسی، پرستیژ آن‌ها نزد اقوام و آشنایان بالا می‌رود. از نظر برخی از آن‌ها امروزه تکلم بچه‌ها به زبان فارسی به یک مد اجتماعی تبدیل شده است و بی‌توجهی به این امر، باعث تنزل پرستیژ اجتماعی خواهد شد. بنابراین برخی از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه، در نتیجهٔ این مقایسهٔ اجتماعی به سمت تقلید می‌روند و در فرایند یک همانندی اجتماعی قرار می‌گیرند تا از قافله مدگرایان عقب نمانند.

پاسخگویان شمارهٔ ۳ و ۱۰چنین می‌گویند: «*بچه باید به راحتی با زبان فارسی صحبت کند تا لهجه زبان مادری را در هنگام صحبت به زبان فارسی نداشته باشد و در گفتار و نوشتار به زبان فارسی مشکلی نداشته باشد از این رو بیشتر بخاطر پرستیژ اجتماعی با آنها فارسی صحبت می کنیم و از دیگران تقلید می کنیم تا مورد تمسخر و تحقیر قرار نگیرند*».

زبان فارسی میراث مشترک

تم زبان فارسی میراث مشترک حاصل تم‌های فرعی تسهیل مکالمه، سهولت صحبت کردن به زبان ملی و نداشتن عواقب بعدی است، برخی از اطلاع‌رسان‌ها تمایل دارند فرزندان‌شان به زبان فارسی صحبت کنند تا بتوانند در ادای کلمات فارسی مشکلی نداشته باشند. به باور آن‌ها با تکلم به زبان فارسی می‌توان این میراث مشترک همهٔ زبان‌های مادری را حفظ کرد و آن را به نسل‌های آینده انتقال داد. به نظر می رسد این همانندی زبانی نه فقط در میان قوم کرد در ایلام، بلکه در بین سایر اقلیت‌های قومی در ایران کمابیش در حال گسترش است، زیرا حاصل یک مقایسهٔ اجتماعی است و یکی از شناسه‌های وحدت ملی است.

پاسخگویان شمارهٔ ۱۰ و ۲۱چنین می‌گویند: «*با زبان فارسی با فرزندمان صحبت می کنیم تا دراجتماع آمادگی بیشتری برای ارتباط برقرار کردن با دیگران داشته باشند و تمایل نداریم کلمات کردی را به فارسی ترجمه کند بلکه می خواهیم خود کلمات فارسی را به درستی ادا کند و دریادگیری زبان فارسی قوی باشد*».

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.135]

سهولت زبان مادری

تم سهولت زبان مادری شامل تم‌های فرعی آسان بودن زبان مادری و سهولت صحبت به زبان مادری است بعضی اطلاع‌رسان‌ها تمایل دارند به زبان مادری با فرزندان‌شان صحبت کنند، زیرا زبان مادری را به آسانی به آن‌ها آموخته‌اند و به راحتی می‌توانند با زبان مادری صحبت کنند. به باور آن‌ها با تکلم به زبان مادری می‌شود سهولت این زبان مادری را حفظ کرد و آن را ترویج داد. دلیل این امرآن است که زبان، پدیده‌ای است که در چارچوب و متن زندگی فرا گرفته می‌شود. از آنجایی که دورهٔ اول کودکی با متنی فرهنگی شکل می‌گیرد که خانوادهٔ کودک حامل آن است، نمادهای زبانی با این متن عجین و آمیخته می‌شوند. استدلال والدین، در بردارندهٔ یک دوگانهٔ سهولت زبانی و دغدغهٔ حفظ آن است.

پاسخگویان شمارهٔ ۱۶ و ۱۸چنین می‌گویند: «*در منزل با زبان مادری با فرزندان‌مان صحبت می‌کنیم و آن‌ها زبان کردی را به آسانی از ما آموخته‌اند و در ادای کلمات و معنای واژه‌های کردی مشکلی ندارند. زبان مادری نباید به فراموشی سپرده شود*».

آینده‌نگری

تم آینده‌نگری معطوف به این است که دنیای فردای فرزندان، سمت وسوی دیگر خواهد داشت زیرا به باور مشارکت‌کنندگان در مصاحبه، زبان معیار در حال گسترش است و هر قدر زمان به آینده سپرده می‌شود ، قهرا زبان مادری در حال زوال و زبان فارسی در حال شکوفایی است. به عبارتی دیگر، زبان در قلمرو، به قول صاحب‌نظران پسااستعماری در فردای ایران، زبان فارسی خواهد بود و زبان مادری به تدریج از قلمرو مناسبات اجتماعی خارج خواهد شد، بنابراین باید به استقبال آینده رفت.

پاسخگویان شمارهٔ ۸ و ۱۴ چنین گفته‌اند: «*تمایل داریم فرزندمان با زبان فارسی صحبت کند. باید به این زبان مسلط و قوی باشد، زیرا آموزش و یادگیری مطالب درسی به زبان فارسی است و برای حضور در اجتماع باید زبان فارسی را یاد بگیرد*».

خود اتکایی زبانی

مشارکت‌کنندگان در مصاحبه، یادگیری زبان فارسی را مایهٔ خوداتکایی و تقویت اعتماد به نفس در جامعه می‌دانند به باور آنان چنانچه فرزندان امروزین با زبان فاسی آشنا نشوند، در فردای زندگی قادر به همسازی با همسالان و گروه‌های اجتماعی نخواهند بود، بنابراین نخواهند توانست در عرصه‌های مختلف زندگی ابراز وجود کنند و به واسطهٔ فقر زبانی نخواهند توانست از حقوق خود در فردای جامعه دفاع کند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.135]

پاسخگویان شمارهٔ ۵ و ٢٤ اظهار داشته‌اند: «*ما تمایل داریم فرزندانمان زبان فارسی یاد بگیرد و برای صحبت با دیگران و در برخورد با زبان های دیگر اعتماد به نفس داشته باشد واز حق خود دفاع کند و بتواند ابراز وجود کند و توانایی صحبت کردن به زبان فارسی را به راحتی داشته باشد و دچار خودباختگی نشوند*».

رفع حقارت

فرار از حقارت، توجیه دیگری است که از سوی مشارکت‌کنندگان در مصاحبه راجع به مرجح بودن زبان معیار ابراز شده است. به باور برخی از آن‌ها بکارگیری زبان مادری در جامعهٔ امروز همراه با شرمساری اجتماعی است وتکلم به آن موجب به جان خریدن نوعی حقارت است. پس برای اهتراز از این برچسب باید به ریسمان زبان فارسی تمسک جست تا همراهی با جماعت تثبیت گردد. این تم به نوعی با تم ای قبل که بر استفاده از زبان فارسی صحه گذاشتند، همخوانی دارد.

پاسخگویان شمارهٔ ۱۰ و ۱۲تأکید دارند: «*تمایل داریم با فرزندانمان فارسی صحبت کنیم تا در مدرسه و اجتماع در بین همسالان خود بتوانند به راحتی با زبان فارسی صحبت کنند و مورد تحقیروتمسخردیگران قرار نگیرند و به راحتی با دیگران ارتباط برقرار کنند*».

لکنت زایی زبانی

برخلاف تم قبلی که استفاده از زبان فارسی را توجیه می‌کند، این تم دلالت دیگری را بازمی‌نمایاند در این مورد، استدلال مشارکت‌کنندگان در مصاحبه این است که آموزش زبان فارسی برای فرزندان ما که کرد زبان هستند، موجب لکنت زبان خواهد شد، زیرا آموزش زبان فارسی موجب اختلال در گفتگو و محاورات روزمره می شود، بنابراین برای مصون ماندن از این عارضهٔ زبانی، بهتر است که با زبان مادری با فرزندان‌مان حرف بزنیم. پاسخگویان شمارهٔ ۷ و ۲۵چنین اظهار داشته‌اند: «*در منزل فقط با یک زبان آن هم زبان مادری با فرزندمان صحبت می کنیم به راحتی در منزل به بچه این زبان را آموزش داده ایم و مشکلی در بیان واژه ها و معنای کلمات با او نداریم زیرا تمایل نداشتیم با آموزش همزمان دو زبان فرزندان لکنت زبان پیدا کند و نتواند کلمات را به خوبی ادا کند ترجیح دادیم با یک زبان با او صحبت کنیم*».

ابهام‌آفرینی در آینده

ابهام آفرینی در آینده نیز در راستا و همسو با تم قبلی براین عقلانیت استوار است که تکلم به زبان فارسی موجب بدفهمی شده است و فرایند مفاهمه را با دشواری مواجه خواهد

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.135]

ساخت. چنانچه از این مهم غفلت شود، آینده با مشکلات جدی همراه خواهد گشت. از نظر مشارکت‌کنندگان در مصاحبه، آموزش به زبان مادری این ابهام را در آینده از بین خواهد برد و موجب وحدت هویتی زبان آموزان خواهد شد، زیرا بعضی از کلمات کردی معادل واژه فارسی برای آن‌ها پیدا نمی‌شود و اگر با زبان فارسی با آن‌ها صحبت کنیم، عواقب بدی دارد. از این‌رو برای اینکه کودکان در آیندهٔ زندگی خود، در حفظ تعامل با دیگران، دچار واگرایی و ابهام نشوند، بهتراست زبان مادری را در بطن اصلی ارتباط با محیط پیرامون قرارداد.

پاسخگویان شمارهٔ ۱ و۲تأکید داشته‌اند: «*اگربه زبان مادری اهمیت ندهیم و حفظش نکنیم باعث نابودی‌اش می‌شویم، دچار سردرگمی در هویت بچه می‌شویم و ارزشی برای زبان مادری قائل نیستیم. بعضی از واژه‌ها و کلمات کردی را به راحتی نمی‌توان با زبان فارسی به بچه انتقال داد و در فهماندن واژه‌ها و کلمات به آن‌ها دچار مشکل می‌شویم*».

گم‌گشتگی زبانی

اطلاع‌رسان‌ها اظهار داشته‌اند اگر به زبان فارسی با فرزندمان صحبت کنیم دچارخودباختگی می‌شوند. زبان مادری به تدریج به حاشیه می‌رود و به فراموشی سپرده می‌شود. بچه‌ها دیگر تمایلی به صحبت کردن به زبان مادری ندارند و با آن بیگانه می‌شوند. گم‌گشتگی زبانی در صورتی روی خواهد داد که خودباختگی زبانی رخ دهد. درخودباختگی، سوژه احساس می‌کند که آنچه خود دارد، بی مقدار و بلا ارزش است، در عوض تکلم به زبان غیر، با والایی ارزشی و فرهنگی همراه است.

پاسخگویان۵ و ۱۰تأکید داشته‌اند: «*اگر با زبان فارسی با فرزندمان صحبت کنیم آداب و رسوم و اصالت کرد به تدریج به حاشیه می‌رود، دچاراز خودباختگی می‌شویم، از ارزش‌های اصیل کردی دور می‌شویم و با زبان مادری فاصله می‌گیریم*».

بیگانگی زبانی

اطلاع‌رسان‌ها اظهار داشته‌اند که بکارگیری زبان معیار در بدو زبان آموزی، کودک را با چالش‌هایی مواجه می‌کند که حاصل بیگانگی زبانی است، دنیایی که کودک در برابر خود می‌بیند با واقعیت موجود ناهمخوان است. زیرا واحدهای جامعه‌پذیری کودک قبل از مدرسه از جمله خانواده، دوستان و همسایگان هستند که غالبا در چارچوب زبان مادری می ندیشند و نمادپردازی می‌کنند. این واحدهای جمعی، تجربهٔ زیسته کودک را شکل می‌دهند، در حالی که تکلم به زبان فارسی (معیار) در بدو زبان‌آموزی، کودک را از این دنیای واقعی که بازتاب دهندهٔ ابژهٔ نسلی او می‌باشد، دور می‌سازد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.135]

پاسخگویان شمارهٔ ٦ و ٢٤ تأکید دارند: «*در هنگام صحبت کردن به زبان فارسی با بچه‌ها دچار چالش می‌شویم و اعتماد به نفس بچه از بین می‌رود. وقتی به راحتی با زبان فارسی صحبت نمی‌کند و ما باید معادل فارسی واژه‌های کردی را برای او پیدا کنیم تا متوجه کلمات بشود و تا بتواند در اجتماع به راحتی با هردو زبان صحبت کند و قدرت بیان داشته باشد*».

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه درصدد پاسخ به این مسأله بود که دلالت‌ها واستدلال‌های خانواده‌های ایلامی در بکارگیری زبان مادری ومعیار چیست؟ در این راستا برمبنای پارادایم تفسیری، رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی با مشارکت تعدادی از خانواده‌های ایلامی، طی یک مصاحبهٔ عمیق، اطلاعات لازم جمع‌آوری شد و بر اساس روش تماتیک مورد تحلیل قرار گرفت. حاصل تحلیل داده‌ها، دستیابی به چندین مورد از دلالت‌ها و استدلال‌های خانواده‌ها از حیث بکارگیری هر یک از دو الگوی زبان‌آموزی بود. نتایج پژوهش نشان داد، یکی از دغدغه‌های خانواده‌ها در بکارگیری زبان مادری، حفظ اصالت زبانی است گرچه این استدلال، نماد محافظه‌کار خانواده‌ها است، اما از سوی دیگر اتخاذ این رویه به مثابه نوعی مقاومت فرهنگی در برابر زبان هژمونیک هم تلقی می‌شود.

از سوی دیگر، از نظر خانواده‌ها زبان مادری، نوعی شناس، فرهنگی است که نماد هویت زبانی آن‌ها است و تسلیم شدن در برابر زبان معیار به مثابه بی توجهی به این نماد هویتی است. در مقابل این دلالت معنایی، استدلال برخی از خانواده‌های ایلام در بکارگیری زبان معیار، مقایسهٔ اجتماعی مدگرایی زبانی است. بر این اساس، بکارگیری زبان فارسی، فرقی با ذائقهٔ غذایی یا هرنوع امر مادی در سبک زندگی ندار، باید همیشه همرنگ جماعت بود. براساس این استدلال، از نظرآنان زبان فارسی نماد وحدت ملی و میراث مشترک ایران است، پس باید در گسترش و حفظ آن کوشید. استدلال برخی خانواده‌ها در حمایت از زبان مادری، معطوف به جنبهٔ سهولت یادگیری آن است. براین اساس، زبان مادری به خاطراستفادهٔ والدین از آن آسان و ساده است و برای نوآموز، زبان زود فهم است. استفاده از زبان مادری برخلاف زبان معیار، تحقق خود اتکایی زبانی است. از این نگاه، زبان مادری موجب اعتماد به نفس است و نوآموز را به خود متکی می‌سازد و به گسترش استقلال شخصیت در او می‌انجامد.

یکی دیگر از دلایل خانواده‌ها در استفاده از زبان مادری، جلوگیری از لکنت‌زایی است که در نتیجهٔ استفاده از زبان فارسی ایجاد می‌شود. به نظر آنان وقتی والدین با زبان مادری در فضای خانواده گفت‌وگو می‌کنند، گفت و گو به زبان فارسی با نوآموز زبان، احتمالا باعث

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.135]

لکنت خواهد شد. براین اساس، استفاده از زبان معیار موجب گم‌گشتگی زبان مادری شده است و با ادامهٔ این وضع، زبان مادری به بایگانی تاریخ سپرده خواهد شد و چنانچه این وضعیت استمرار یابد، بیگانگی زبانی به سراغ فرهنگ می‌آید و به تدریج در یک فراگرد استحاله‌ای شدن قرار می‌گیرد. خانواده‌های مدافع استفاده از زبان فارسی، ایجاد حقارت وخودتحقیری را از پیامدهای بکارگیری زبان مادری عنوان کرده‌اند و برای فرار از آن به زبان فارسی روی آورده‌اند. در ارتباط با مواجههٔ تجربی پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین باید گفت که تحقیق منگیلا در فیلیپین (۲۰۱۹) مبنی برترغیب زبان مادری و محمدی و همکاران (۱۳۹۹) مبنی براستفاده از زبان مادری مؤید نگاه خانواده‌های مدافع زبان مادری و دیدگاه خانواده‌های مدافع زبان ملی در این زمینه است.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که جامعهٔ ایلام، با دونوع هویت جمعی مواجه است: از یک سو، دغدغهٔ هویت جمعی خرد را دارد که تمسک به زبان مادری است، اما از سوی دیگر با روی‌آوری به زبان ملی –خواه آگاهانه ویا ناآگاهانه –تعلق خاطر به هویت جمعی کلان دارد. این کشاکش ادامه دارد. به عنوان تطبیق نظری با توجه به انتزاع از یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت که زبان چه در شکل مادری یا معیار، یک کد زبانی است مفهومی که "برنشتاین" به آن می‌پردازد. از سوی دیگر زبان به مثابه گرامری جهانی است که در بین ملت‌های مختلف به کار می‌رود. مطلبی که "چامسکی" به آن توجه ویژه‌ای دارد. زبان، یک نهاد اجتماعی است زیرا تمامی افراد نوع بشردر خلال جامعه‌پذیری به آن نیاز دارند. مفهومی که "جان سرل" به آن می‌پردازد. می‌توان زبان را به عنوان وسیلهٔ انجام کار، کنش‌های گفتاری یا کارکردهای زبان نامید، مطلبی که "جان آستین" به آن می‌پردازد و به گفتهٔ "جرج هربرت مید" تنها از طریق نمادهای معنادار خاصهٔ زبان است که تفکر انسانی امکان‌پذیرمی‌شود.

به‌طور کلی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اقبال به سوی زبان مادری هنوز ملکهٔ ذهن خانواده‌ها است، بنابراین، می‌تواند حاکی از اهمیت زبان محلی به مثابه یک شناسهٔ قوی باشد. از سوی دیگر، زبان معیار هم به جای خود حائز اهمیت است که نشانگر اهمیت زبان ملی به مثابه یک شناسهٔ ملی است. این همائی زبانی، به‌جای تضاد زبانی، پدیدهٔ توازی زبانی را که "آنتونی گیدنز" تحت عنوان توازی هویت‌های محلی– ملی، به آن اشاره دارد، تقویت نماید. همچنین به دنبال تغییرات روزافزون و رواج ارزش‌های کلان ملی در الگوهای زبان آموزی فرزندان، زبان مادری و ارزش عمیق زبان مادری به حاشیه رفته است، اما برخی از خانواده‌ها هنوز تمایل دارند فرزندان‌شان با زبان مادری در کنار زبان فارسی که زبان رسمی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.135]

کشور است هم صحبت کنند تا برای حضور در اجتماع و دفاع از خود در مقابل دیگران آماده شوند. مطالعهٔ حاضر هر چند خالی از نقص نیست، اما می‌تواند الگویی برای تحقیقات آتی بیشتر در این زمینه باشد، با این حال به باور محققان، همخوانی برخی از یافته‌های پژوهش با آراء صاحبنظران حوزهٔ زبان و استفاده از پارادایم تفسیری و رویکرد کیفی می‌تواند از دستاوردهای نظری و روش‌شناختی پژوهش حاضر باشد.

منابع

۱. چامسکی، نوام (۱۳۷۹) **زبان و اندیشه، مجموعهٔ ادب فکرزبان و ادبیات**، ترجمهٔ کوروش صفوی، تهران: هرمس.

۲. ریتزر، جرج (١٤٠٠) **نظریهٔ جامعه‌شناسی**، ترجمهٔ هوشنگ نائبی، تهران: نی.

۳. فراستخواه، مقصود (١٤٠١) **روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریهٔ بر پایه (گراند تئوری)**، تهران: آگاه.

٤. گلمحمدی، میلاد (١٤٠٤) «زبان مادری به مثابه الگوی بومی زبان تدریس تحلیل اثرات آموزش هنر به زبان تورکی آزربایجانی بر دانش‌آموزان دوزبانی»، آذربایجان: اولین کنفرانس ملی معلم خبره.

۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) **تجدد و تشخص**، ترجمهٔ ناصر توفیقیان، تهران: نی.

٦. محمدی، عادل؛ عسگر خانی، ابو محمد و سید باقر میرعباسی (۱۳۹۹) «تأثیر حق آموزش به زبان مادری به عنوان حقی بنیادی بر نشاط و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دو زبانه»، **تدریس‌پژوهشی**، دورهٔ ۸، شمارهٔ ۱: ۲٤۲ -۲٦۰.

۷. محمدی، مرضیه؛ موسوی خامنه، مرضیه و مرتضی منادی (۱۳۹۸) «بررسی جامعه‌شناختی پی‌آمدهای نیم‌زبانگی»، **جامعه‌پژوهی فرهنگی**، ۱۰ (۲): ۱۰۷ – ۱۳۵.

۸. میری، سید جواد (۱۳۹۷) **زبان مادری در گفتمان علوم اجتماعی**، تهران: نقد فرهنگ.

۹. میری، سید جواد (۱۳۹۷) **تأملی دربارهٔ ایران: واکاوی هویت، ملیت، ایرانیت و سیاست‌گذاری‌های زبانی**، تهران: نقد فرهنگ.

۱۰. نوروزعلی، زینب (١٤٠١) «جهانی‌های زبان در مکتب زبان‌شناسی فراساختارگرا»، **پژوهش‌های نوین ادبی (شیرین و شکر)**، تهران ۱ (۱): ۱ -۳۰ .

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.135]

۱۱. نوروزی، یعقوب (۱۳۹۸) «بافت و معنا در بازیابی اطلاعات (با تأکید بر زبان مادری)»، **پژوهشنامهٔ پردازش و مدیریت اطلاعات**، ۳۵ (۱): ۱ -۲٤.

12. Farangi Mohamad Reza, Naami. Amir, (2024) «A study of early multilingualism in Iran: The effects of mother tongue literacy, socio-economic status and foreground TV exposure», **Acta Psychologica**, Volume 243, 104167.

13. Chomsky s, N (2007) **universal Grammar: An Introduction**, Vivian James Cook, Mark Newson, Wiley – Blackwell.

14. SEARLE, john, R (2010 b) **making the SCOCIAL world: the structure of Human civilization**, oxford university.

15. MANGILA, B, B, (2019) «INSTITUTIONALIZING A Mother Tongue - Based Approach IN Teaching Multicultural Classrooms: A Closer Look AT Elementary JEACHERS Experiences», **ASID Pacific Journal OF Education, Arts and Sciences**, 34 – 39.

16. Margreet Vogelzang, Ianthi Maria Tsimpli, Anusha Balasubramanian, Minati Panda, Suvarna Alladi, Abhigna Reddy, Lina Mukhopadhyay, Jeanine Treffers-Daller, Theodoros Marinis (2024) «Effects of Mother Tongue Education and Multilingualism on Reading Skills» **in the Regional Language and English in India**, Volume59, Issue1, March 2025, Pages 448-485.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.66224/scds.13.3.135]